

# مغلطه

راهنمای درست اندیشیدن

تند و نیشدار

جمی وایت

ترجمهٔ مریم تقدیسی



## فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	اقتدار
۲۳	تعصب در جامعهٔ فاخر
۴۵	حرف نزن!
۵۷	واژه‌های بی معنی
۷۹	انگیزه‌ها
۸۷	حق داشتن عقیده
۹۷	مغایرت
۱۱۳	کلمات گمراه کننده
۱۲۵	بدیهی جلوه دادن موضوع
۱۳۷	تصادف
۱۴۹	آمار حیرت‌آور
۱۶۵	تب اخلاقیات
۱۷۵	دربارهٔ نویسنده

## پیشگفتار

همه کتاب‌های خودیاری باید با یک اعتراف شروع شوند. اعتراف من این است: من به سردبیر نامه می‌نویسم. «مرد خشمگین‌های ببری»،<sup>۱</sup> این منم. هرچند که حالم رو به بهبود است. من دیگر کمتر نامه می‌فرستم، و حتی گاهی نامه‌ای نمی‌نویسم. اگر مشاور روان‌شناسی داشته‌ام احتمالاً از پیشرفتم خوشحال می‌شد.

ولی این را هم باید اعتراف کنم که اصلاح عمیقی در شخصیتم ایجاد نشده است. هنوز هم دلم می‌خواهد آن نامه‌ها را بنویسم. فقط مسئله این است که چیزهایی که باعث عصبانیتم می‌شوند ظاهراً کوچک‌ترین جذابیتی برای سردبیر تایمز ندارند، همچنین برای دوستانم که تعدادشان روز به روز کمتر می‌شود. آن‌ها هم وقتی نگرانی‌هایم را برایشان تعریف می‌کنم خمیازه می‌کشند و چشمانشان را می‌چرخانند - یا آن‌هایی که نامهربان‌ترند حرف‌هایم را «دری‌وری» می‌نامند.

چه چیزی خیلی آزارم می‌دهد؟

خطاهای استدلال. مغلطه. تفکر آشفته. آن را هرچه می‌خواهید بنامید: می‌دانید درباره‌ی چه حرف می‌زنم.

---

۱. Highbury: منطقه‌ای در لندن - م.